

## خاطرآینه

.....

دیوار دل

.....

درون خانه فکر تر کشیدیم  
خیال خام خود را برکشیدیم  
به دیوار دل ما رخنه ها کرد  
بلایی را که ما از در کشیدیم

.....

جریان هوا

.....

رهاکندست نفرت را رهاکن  
دلت را با محبت آشنا کن  
من وتو غرق جریان هواییم  
که گفته در سراب غم شناکن

.....

دست گریه

....

به این تنها که بینم سر نیاید  
امید باوری از در نیاید  
به حال خود ازان خندم که دیگر  
ز دست گریه کاری برنیاید

.....

دردِ تلخ

.....

فضای جاده گیج گردِ تلخ است  
سفر همپای ره آوردِ تلخ است  
صداها را شفای عاجلی کو  
سکوت اینجا دلیل دردِ تلخ است

.....

خاطر آینه

....

هنوز آن شور و شردر سینه باقی است  
صفا در کلبه ای بی کینه باقی است  
شکسته گرچه دیوار و در عشق  
ولیکن خاطر آینه باقی است

....

کلبه ای شور

.....

مرا از چنگ خاموشی رها کن  
به خیز از جا و فریادی بپا کن  
بیاتا کلبه ای شوری بسازیم  
که گفته قصر نومیدی بنا کن

.....

همپای پرواز

....

اگر داری هوای باور ما

بساز همراه هرخشک وتر ما  
بشو آینه دار عرش دلها  
بپر همپای پرواز پر ما

.....

مشکل پسند

...

اسیر سایه ای طبع بلندیم  
ازان رو این همه مشکل پسندیم.  
ولو مارا به دست کم گرفتند  
به لطف همزیانی پای بندیم

...

اوج

...

زمستان را ببر کردن چه حاصل  
به سردیها سپردن تن چه حاصل  
برآ بر اوج ک وه سرفرازی  
به کنج ناله خسبیدن چه حاصل

.....

هیولا

...

هوس دست دعا را کرده خالی  
ز قلب ما خدارا کرده خالی  
بترس از این هیولای زمانه

که زیر پای مارا کرده خالی

.....

خلاف جریان

...

رهایی را زچنگ شب صداکن

به عزم خودسحررا همنوا کن

دلی گر درمیان سینه داری

خلاف این همه جریان شناکن

.....

**نورالله وثوق**

..

**چهرشنبه نوزدهم مهر / میزان / هزار و سه صد و نود و یک خورشیدی**